



## پزشکیان: سیاست‌های کلی رهبر انقلاب چراغ راهنمای مسیر ما است

رئیس جمهور منتخب گفت: ما سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری را داریم؛ حتی در این مناظرات و انتخابات هم می‌گفتم این سیاست‌ها چراغ راهنمای مسیر است و هدف ما را مشخص می‌کند.

رئیس جمهور منتخب گفت: ما سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری را داریم؛ حتی در این مناظرات و انتخابات هم می‌گفتم این سیاست‌ها چراغ راهنمای مسیر است و هدف ما را مشخص می‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، مسعود پزشکیان رئیس جمهور منتخب ملت ایران در مصاحبه تفصیلی با سایت رهبر معظم انقلاب به بیان دیدگاه‌های خود پرداخت.

متن مصاحبه به شرح زیر است:

آقای دکتر پزشکیان! با توجه به نگاه شما مبنی بر تعامل حداکثری با بخش‌های مختلف کشور برای پیشبرد امور و پیاده‌سازی سیاست‌های کلّی نظام و تأکیدی که اخیراً هم رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان داشتند بر همراهی و تعامل مجلس و دولت برای فرایند تعیین کابینه، جنابعالی چه برنامه‌ای برای اجرایی کردن این همدلی و تعامل سازنده دارید؟

\* بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. یکی از اصول صراط مستقیم همان وحدت و انسجام مسلمانان است؛ شما به قرآن نگاه کنید: «وَمَنْ يَّعْتَصِم بِاللّٰهِ فَقَدْ هَدٰى اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ»؛ (۱) همان چیزی که هر روز در نماز از خدا می‌خواهیم که به صراط مستقیم هدایت شویم؛ این همان «وَوَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیْعًا وَّ لَا تَفَرَّقُوا» (۲) است. شما آیات را که نگاه می‌کنید، همیشه توصیه به این است که مسلمانان وحدت داشته باشند و اختلاف «وَوَ كُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ» (۳) است؛ یعنی انسان در لبه‌ی پرتگاه و آتش است. الان اگر جایی از کشورمان مشکلات و گرفتاری‌هایی دارد، به خاطر اختلافاتی است که به آن دامن می‌زنیم و افزایش می‌دهیم. باید دست از این اختلافات برداریم. ما نماز را اقامه می‌کنیم؛ «اقامه‌ی نماز» یعنی رفتن به طرف صراط مستقیم، یعنی «وَوَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِیْعًا وَّ لَا تَفَرَّقُوا».

برای اینکه ما بتوانیم در معرفی افراد کابینه به مجلس یک چنین کاری را بکنیم، قدم اول این بود که به تمام جریانان، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی اعلام کردیم که افراد مورد نظر خودشان را که می‌توانند به دولت کمک بکنند معرفی کنند تا توافق ملى شکل بگیرد. توسط هر کدام از این‌ها چه جریانان اصلاح طلب، اصولگرا و مستقل، و چه افراد و شخصیت‌های سیاسی یک فهرست‌هایی ارائه شد و نهایتاً اینها دارد پالایش می‌شود تا به یک جمع بندی چهار پنج نفره برای هر جایگاه برسد. در آخر، طبیعتاً خدمت مقام معظم رهبری خواهیم رفت و با هماهنگی و مشورت با ایشان به یک جمع بندی نهایی خواهیم رسید که این‌ها را بتوانیم معرفی کنیم.

به‌رحال، این جمع بندی‌ای که دارد اتفاق می‌افتد حاصل مجموعه‌ی نظراتی است که از کلّ جریان‌ها و مدیران سیاسی کشور توانسته‌ایم به دست بیاوریم. حالا اینکه چقدر موفق بشویم، دیگر باید صبر کنیم ببینیم کار به کجا خواهد رسید؛ چون این یک تجربه‌ی جدیدی است.

\* جناب آقای دکتر پزشکیان! برآوردتان این است که بعد از تنفیذ و تحلیف، تا چه مدتی کابینه را به مجلس معرفی خواهید کرد؟

\* آن جمع بندی‌هایی که گفتم، اگر انجام بشود، هرچه سریع‌تر تلاش خواهیم کرد رهبر انقلاب برویم و مشورت و هماهنگی نهایی را هم آنجا انجام بدهیم تا نهایتاً فهرستی را که از جمع بندی افراد معرفی شده توسط جریانان مختلف به دست آمده، ان شاءالله با تفاهم و رضایت کامل بتوانیم معرفی کنیم.

\* یکی از ویژگی‌های مثبت حضرتعالی که در دوران رقابت‌های انتخاباتی هم این را مردم دیدند، پرهیز از ورود به حواشی و دامن زدن به التهاب و آرام کردن فضا بود، به طوری که دیگران را هم از این مسائل نهی می‌کردید. با توجه به شرایط حال حاضر و اینکه اداره‌ی کشور هم نیاز به یک آرامش و پرهیز از التهاب دارد، برنامه و نگاه شما در طول چهار سال پیش رو که سگان اجرایی کشور را در دست دارید، برای حفظ این آرامش چیست و چه ملاحظاتی در این زمینه دارید؟

\* ما سیاست های کلی مقام معظم رهبری را داریم؛ حتی در این مناظرات و انتخابات هم می گفتم این سیاست ها چراغ راهنمای مسیر است و هدف ما را مشخص می کند. بعد از این، برنامه ای است که کارشناسان و عقلا و مدیران و مسئولان ما در جهت آن سیاست ها باید بنویسند. طبیعتاً اگر ما این را بپذیریم و قانونی بنویسیم که در جهت سیاست های نظام باشد و خودمان را مسئول اجرای آن بدانیم و بعد بخواهیم در جهت آن حرکت بکنیم، اختلاف و دعوا بی معنی است؛ اما اگر من از خودم یک قانونی یا یک جهت گیری دیگری را تعریف کنم که در جهت آن سیاست ها نباشد حتی اگر این حرف یا جهت گیری ای که من می خواهم ارائه بدهم خوب هم باشد هرج و مرج می شود.

تا زمانی که به یک تصمیم و یک هدف گیری نهایی نرسیده باشیم، می توانیم سلاقی خودمان و افکار خودمان و جهت گیری های خودمان را داشته باشیم؛ اما وقتی تبدیل به سیاست و قانون شد، اختلاف کردن و زیر میز زدن و نپذیرفتن، چیزی جز هرج و مرج ایجاد نمی کند. من و دولت و همه ی قوایی که وجود دارند اگر پایبند به آن سیاست ها بودیم و برنامه هایی که می نویسیم در جهت آن سیاست ها باشد، اختلاف یا تفرقه و دعوا کردن بی معنی است. اگر هم کسی بگوید یک مسیری بهتر از آن مسیر قانونی هست، آن را هم می شود با روش های علمی بررسی کرد؛ اگر مشاهدات علمی و مستندات مکتوب دانشگاهی و تجربه ی مشخص منطقه ای در مورد آن پیشنهاد وجود داشته باشد که نشان دهد بهتر و تجربه ی موفق تری است، باید ارائه بشود تا بپذیریم؛ حرف حق را باید پذیرفت.

جهت گیری کشور باید به سمت هدفی باشد که قرار بود در مملکت موفق بشویم. قرار بود جهل و تبعیض و خلاف را در این مملکت حذف کنیم و یک جامعه ی انسانی درست بکنیم. در اقتصاد، قرار بود بهترین باشیم. قرار بود دانشگاه های ما الهام بخش، نوآور و خلاق باشند. چیزهایی که در سیاست های کلی هست، اهداف بسیار باارزشی است. در نتیجه، هم مجلس، هم دولت، هم قوه ی قضائیه و نهادهای دیگر و سازمان های امنیتی، همه باید دست به دست هم بدهیم تا به آن اهداف سیاست های کلی برسیم. اگر به آن اهداف برسیم، دیگر فقر و بیکاری، جهل و خلاف و دزدی بی معنی خواهد شد.

وقتی هدفمان روشن است، این دیگر معنی ندارد که ما با هم دعوا کنیم؛ مگر اینکه شما نظرتان این باشد و بگویید این راه را نرویم و راه دیگری را برویم، که خوب مستند دلیلتان را باید بیاورید که چرا این راه بهتر است؛ آن وقت ما هم می پذیریم. اگر بر اساس حرف درست علمی با هم بنشینیم و بحث بکنیم، دیگر اختلاف کردن معنی ندارد.

ما در پزشکی یک بحثی داریم با عنوان «Evidence-based medicine»؛ یعنی «طبابت بر اساس شواهد». فرض کنید من یک استادتمام دانشگاه هستم با چهل سال سابقه و موفق هم باشم؛ در این صورت، روش هایی را برای معاینه، عمل یا درمان دارم و اجرا می کنم. اگر مستندات و تحقیقاتی که امروز شکل گرفته نشان بدهد یک روش هایی بهتر از روش من وجود دارد، آن وقت دیگر من نمی توانم بگویم «نه، من خودم تجربه کرده ام، این راه بهتر است». سند و دلایل و تحقیقات نشان می دهد این راهی که الان تازه به وجود آمده بهتر از راهی است که من می گویم؛ آن وقت دیگر من حق ندارم بگویم «نه، من خودم مثلاً استادم، جراحم، تجربه دارم، چهل سال است که دارم این کار را می کنم و نتیجه گرفته ام»؛ دلایل و مستندات جهانی نشان می دهد این یکی روش تأثیرگذارتر است، کم هزینه تر است، باکیفیت تر است؛ خوب باید بپذیرم.

تصمیم گیری، سیاست گذاری و هدف گذاری در مسائل کشور، فقط مینا و ابزار علمی دارد. دلیلی ندارد وقتی حرف حقی آمد، ما نپذیریم. در قرآن آیه ای هست که می گوید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ»؛ (۴) آیات خدا را تکذیب کردند، چون علمش را نداشتند، چون تأویل و تفسیرش را نمی دانستند. در گذشته هم آنهایی که آیات خدا را تکذیب کردند، همین گونه تکذیب کردند. و بعد، جالب است که در این آیه می گوید نگاه کن عاقبت ظالمان را که چگونه است؛ در حقیقت، یعنی بین عاقبت نپذیرفتن راه درست و حرف حق را. اینکه یک روش و یک مسیر حق را که مستندات نشان می دهد این راه درست است، من نپذیرم، ظلم است؛ ظلم به جامعه ای است که مسئولیتش را به عهده گرفته ام. «أَلَمْ يُوَخِّذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقَ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ»؛ از همه ی انسان ها پیمان گرفته اند که جز حق، کار دیگری نکنند، «وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ» (۵)

\* آقای دکتر پزشکیان! یک اشاره ای کردید به از بین بردن فقر. می خواهم یک سؤالی درباره ی مسائل اقتصادی بپرسم. شما در دوران رقابت های انتخاباتی تأکید زیادی داشتید که حلّ مسائل و معضلات مردم و کشور اولویت اصلی دولت شما خواهد بود، رهبر انقلاب هم بر این رویکرد مهر تأیید زدند و با آن اعلام همراهی کردند. البته این مسئله قبل از انتخابات هم مورد تأکید رهبر انقلاب بود و بعد از انتخابات و پیروزی حضرتعالی هم مورد تأکید ایشان قرار گرفت. ایشان بعضی شاخص ها و معیارها را عنوان کردند و در دیدار نمایندگان مجلس هم در نکته ی هشتمی که معظمّم له درباره ی معیارهای افراد کابینه فرمودند، از این عبارت استفاده کردند که چه کسی می خواهد میدان دار شود و میدان های اقتصادی، فرهنگی و مانند آن را به دست بگیرد. برای نیل به این هدف و تشکیل یک دولت کارآمد برای حلّ مشکلات و مسائل مردم، شما چطور می خواهید این معیارها و این نگاه را در کابینه و دولت خودتان پیاده سازی بفرمائید؟

\* مشکل ما الان در کشور این است که بر اساس ارتباطات دوستی و رفاقت و یا شاخص های ذهنی خودمان افراد را انتخاب می کنیم، ولی از نظر علمی شاخص هایی وجود دارد که شاید در ذهن ما ننگند. ما گفتیم اساتید مدیریت دانشگاهی یک سری شاخص هایی را برای اینکه بتوانیم این آدم ها را انتخاب بکنیم دریاورند؛ یک سری شاخص را درآوردند که حتی ما این شاخص ها را اعلام کردیم. بعد، به همه هم گفتیم هر کس نسبت به این شاخص ها مشکل دارد، اعلام کند تا اگر کم است، زیاد کند و اگر شاخصی اشکال دارد، حذف شود. بالاخره، یک شاخص هایی را درآورده ایم.

البته ما باید دقیق تر شاخص ها را دریاوریم که هر کسی نمره داد، تکرارپذیر باشد؛ یعنی این جور نباشد که من یک نمره ی صد بدهم، یکی بیاید نمره ی صفر بدهد. وقتی یکی صد می دهد، یکی صفر می دهد، یکی پنجاه می دهد، معلوم است هنوز آن اندازه گیری ها درست نیست که اگر درست باشد، همه باید یک جور نمره بدهند. مثلاً سالهای خدمت، مثلاً اثرگذاری در کاری که انجام داده، مثلاً پاک دستی و نداشتن سابقه ی سو؛ اینجا دیگر نمی شود کسی را که سابقه نداشته، یکی بگوید دارد، یکی بگوید ندارد؛ باید دلیل بیاورد که هست یا نه. در نتیجه، قدم اول این بود که شاخص دریاوریم.

بحث دوم این بود که به تمام کنشگران جامعه این شاخص ها را اعلام بکنیم و بگوییم شما افرادی را که می شناسید، طبق این شاخص به ما معرفی کنید. قدم سوم این بود که این افراد معرفی شده را بر اساس شاخص ها پالایش کنیم و برایشان نمره بگذاریم. و بعد هم وقتی پالایش شد، نهایتاً مشورت و هماهنگی لازم را ما خدمت مقام معظم رهبری انجام بدهیم تا بتوانیم به آن نهایت چیزی که دنبالش هستیم برسیم. اینکه به آن معیارها خواهیم رسید یا نه، هنوز کاملاً مطمئن نیستیم؛ ولی ما تلاشمان را کردیم تا بتوانیم همه ی نظرات و جریان ها را بر اساس این شاخص ها بسنجیم و افراد مورد نظر را انتخاب کنیم تا بتوانیم کار را انجام بدهیم.

\* شاخص ها و اولویت های عمومی تان برای انتخاب افراد پیشنهادی کابینه چه مواردی بوده است؟

\* پابندی به قانون، صداقت، پاک دستی، راست گویی، خُسن شهرت، باور به سیاست های کلی، باور به قانون برنامه و اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی. بالاخره فرد اگر پاک دست و صادق نباشد که البته این موارد باز هم نسبی است نمی توان او را انتخاب کرد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک می فرمایند: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ»؛ (۶) می گویند ای مالک! وسط حق را در نظر بگیر، چون اگر خیلی بخواهی در آن دقیق و ریزبین بشوی، مصداقش را پیدا نخواهی کرد؛ اگر بخواهی عدل را مثل علی اجرا کنی، نمی توانی. لذا توصیه می کنند که شما بروید دنبال «أَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ»؛ یعنی کاری که رضایت اکثریت در آن باشد. اگر بخواهید حساسیت به خرج بدهید، آدم معصوم پیدا نمی کنید.

\* امروز مسئله ی اقتصاد و معیشت در صدر مسائل اصلی کشور و مردم است. شما و تیم اقتصادی شما برای اینکه فشار معیشتی را از روی مردم تا حدی کم کنید و وضعیت سفره ی خانوار ایرانی را بهبود دهید، چه اولویت ها و برنامه های اصلی و فوری و میان مدتی را در نظر دارید؟

\* ببینید! من نسخه ی فوری برای یک چنین چیزی ندارم. حالا باید بنشینیم با کارشناس ها صحبت کنیم. آنچه فوری و ضروری است، اول رفع اختلافات، دست به دست هم دادن و با هم پیش رفتن است. در هر حرکتی که داریم، اگر آدم های قدرتمندی مقابل هم قرار بگیرند، یعنی هیچ حرکتی نمی کنیم. اگر شما بخواهید حرکت کنید و من جلوی شما را بگیرم، من بخواهم حرکت کنم و شما جلوی من را بگیرید، هر چقدر این اختلافات بیشتر باشد، نابسامانی و هرج و مرج خیلی بیشتر خواهد بود. در نتیجه، برای اینکه بتوانیم راه حل های علمی حل مشکلات اجرایی را پیدا کنیم، اول باید در درون خودمان وحدت و انسجام ایجاد کنیم؛ باید زبان و نگاه مشترکی برای حل معضلات، بین کارشناسان، متخصصین، سیاست گذاران، قانون نویسان، فرهنگیان و عالمان کشور داشته باشیم. کافی است با هم هماهنگ نباشید؛ در این صورت، هر روشی را بخواهید اجرا کنید دیگران ممکن است برایتان مشکل ایجاد کنند.

ما در کشور ناترازی انرژی داریم و در حال حاضر برای خرید بنزین، ۸ میلیارد دلار پول می دهیم؛ یعنی بنزین را مثلاً حدوداً ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می خریم، بعد ۱,۵۰۰ تومان می فروشیم! خب تا کجا می توانیم این کار را بکنیم؟ مثال دیگر مصرف برق است. ما به اندازه ی کل اروپا مصرف انرژی، برق و امثال آن را داریم؛ این از نظر علمی کار درستی نیست. من به دوستان خودمان می گویم چرا همه ی چراغ های اینجا را روشن می کنید یا چرا کولرها را طوری تنظیم می کنید که محیط را خیلی خنک کنید. از آن طرف نمی توانیم به کارخانه هایمان برق بدهیم و از این طرف هر طوری که دلمان می خواهد، از برق، گاز و سایر منابع انرژی استفاده

می کنیم. پس باید اول رفتار خودمان را در رابطه با این ناترازی هایی که در کشور ایجاد شده اصلاح کنیم. این با همدلی و هماهنگی امکان پذیر است. باید بپذیریم اگر برق، گاز، نفت، سوخت و سایر منابع انرژی را همین طور بدون حساب و کتاب هدر بدهیم، به ضرر همه ی ما است.

\* پس طبق آنچه شما می گوئید، برای حلّ ناهماهنگی ها، تنش و التهاب خطّ قرمز دولتتان است.

\* اگر ما با هم هماهنگ باشیم و بپذیریم، به همدیگر کمک می کنیم. من اول خودمان را گفتم که مقدار برق و گازی که اینجا مصرف می کنیم استاندارد نیست.

\* یکی از همکاران شما گفتند چراغ های هالوژن این سالن، امروز برای اولین بار روشن شده است.

\* بله، برای اینکه محیط اینجا نور دارد. گاهی شما می بینید در یک سالن کنفرانس، دو نفر آدم می نشینند، با روشنایی کامل برق و سیستم سرمایش یا گرمایش کار می کنند! آنها باید از خودشان بپرسند چرا این کار را می کنند. این کار از نظر علمی، اقتصادی، مدیریتی، وضعیت کشور و مملکت، غلط است. وقتی مشکل انرژی و اقتصادی داریم، نمی شود اینجا با خیال راحت از برق و گاز استفاده کنیم. برای اینکه بتوانیم به مردم خدمت کنیم، اول باید دست به دست هم بدهیم. شعر سعدی بسیار زیبا است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی  
نشاید که نامت نهند آدمی

همه ی ما در این کشور زندگی می کنیم و خیلی ها امروز در سختی هستند. من اینجا باید مراعات بکنم تا حداقل یک سهمی هم از منابع به آن ها برسد. این چیزی است که باید بپذیریم، دست به دست هم بدهیم و نگذاریم کسانی که در کشور ما زندگی می کنند در سختی باشند.

\* درست است که طیّ سالیان اخیر، اقتصاد مسئله ی اول کشور بوده و ذهن مدیران، سیاست گذاران و مردم کشور را به خود مشغول کرده است؛ اما در کنار مسائل مهمّ اقتصادی، مسئله ی فرهنگ هم اهمّیت فوق العاده ای دارد و رهبر انقلاب در سالهای اخیر، در کنار اقتصاد، بر مسئله ی فرهنگ نیز تأکید داشته اند. برای آخرین سوال می خواهیم بدانیم با تمام مسائل و فوریت های کشور از قبیل اقتصاد، اولویت ها و جهت گیری دولت خودتان در حوزه ی فرهنگ را چگونه تعریف می کنید؟

\* ببینید! اصلاً مشکل فرهنگ، ما هستیم؛ ماها که داریم فرهنگ را تبلیغ می کنیم. «مَنْ تَصَبَّ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ يَسِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ يَلِسَانِهِ وَ مَعْلَمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (۷) من به عنوان مدیر، کارشناس یا مسئول دینی، وقتی می خواهم رفتار، اخلاق و صفتی از انسانیت را به کسی بیاموزم، اول باید انسانیت و اخلاق در وجود خودم نهادینه شده باشد. یک آدم بد اخلاق نمی تواند به یک فرد دیگر بگوید تو چرا این طور هستی؛ آدمی که رحم در دلش نیست، نمی تواند به دیگری بگوید رحم داشته باش. ما نماز که می خوانیم، می گوئیم: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ \* الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ \* الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمِ» (۸) این عبارات را هر روز در نماز تکرار می کنیم، ولی رحم و مروت در وجود ما نهادینه نیست، برخورد ما با طرف مقابل بر اساس نگاه صحیح نیست. در نتیجه، اگر قرار است فرهنگ درست شود، باید از خودمان شروع کنیم. خداوند در قرآن به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم) می فرماید: «قِیْمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ لَیْسَ لَکُمْ وَ لَوْ کُنْتُمْ قَطًّا غَلِیظًا لَنْقُضُوا مِنَ حَوْلِکُمْ» (۹) این حرف امثال من نیست، کلام خداوند است و شک و شبهه ای در آن نیست؛ وحی است. خداوند به رسولش می فرماید اگر بد اخلاق بودی، کسی اطراف تو جمع نمی شد. دیگر حرف ما که جایگاهش مشخص است؛ آن وقت دستور می دهیم و با بد اخلاقی آن را ارائه می دهیم! خب مردم این را از ما نمی پذیرند. اولاً معلوم نیست حرفی که من می زنم درست است یا غلط؛ ثانیاً وقتی قرآن می فرماید «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ» (۱۰) پس چرا روش ما به گونه ای است که طرف مقابل از رفتارمان متنفر می شود؟ «وَ لَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّیِّئَةُ ادْفَعِ یَائِتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیْمٌ» (۱۱) خوبی و بدی مثل هم نیست؛ پاسخ بدی را با بدی نمی دهند؛ می گوید بدی ها را با خوبی جواب بدهید؛ با آدمی که با شما دشمن است، «وَلِیٌّ

حَمِيم» باشید، انگار که او دوست نزدیک و صمیمی شما است.

پس در مسئله ی فرهنگ، اول باید خودمان را درست کنیم. لازم نیست به دیگران خرده بگیریم؛ اول به خودمان خرده بگیریم. اگر من آدم درستی باشم و اخلاق درستی داشته باشم، اگر دلسوز مردم باشم و مردم این را بفهمند که من دلسوز آن ها هستم، دیگر امکان ندارد مردم من را دوست نداشته باشند و از اخلاق و رفتار من الگو نگیرند؛ ولی رفتار و برخورد ما به گونه ای است که وقتی مردم آن را نگاه می کنند، بدشان می آید. آن وقت چرا باید مثل ما بشوند؟ چرا خودشان را شبیه ما بکنند؟ در نتیجه، در رابطه با فرهنگ، بیشتر باید به خودمان برسیم تا اینکه به دیگران خرده بگیریم. «دَاوُكَ فَيَكَّ وَ مَا تَشْعُرُ وَ دَاوُكَ مَيَكَّ وَ مَا تُبْصِرُ»؛ (۱۲) درد خودمانیم، درمان هم خودمانیم.

\* آقای دکتر! اگر اجازه بدهید، من چند کلمه می گویم و شما اولین چیزهایی که به ذهنتان می رسد بفرمائید.

پرچم؛

\* ایران.

مردم؛

\* وفاق.

قاسم سلیمانی؛

\* افتخار، آزادگی و غیرت ایرانی.

\* خیلی ممنونم آقای دکتر.

\* موفق باشید.